بسم الله الرّحمن الرّحیم

نگاه الهیاتی ما به ویروس کرونا

 با توجه به این‌که پدیده‌ی کرونا این سؤال را به میان آورده که نگاه الهیاتی ما به آن چگونه و از چه زاویه‌ای باید باشد، نکاتی با رویکرد فلسفی به موضوع عرض می‌شود.[[1]](#footnote-1)

حادثه‌ها و مصائب می‌تواند بستر تحقق خلوص گردد، به‌خصوص که هیچ تجربه‌ای از خداوند بهتر از تجربه‌ی ایمان خالصانه در خطرات نیست، به همان معنایی که قرآن در وصف آن، واژه‌ی «دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّين‏» را به‌کار می‌برد و می‌فرماید: «فَإِذا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذا هُمْ يُشْرِكُونَ.»(عنکبوت/65).

1- عقل در بستر طبیعی خود متوجه مخلوقیت عالم است و پایدارماندن بر عهدِ عقلی در چنین بحران‌هایی اقتضا می‌کند که متوجه‌ی خالق عالم و نقش او در چنین شرایطی باشیم. زیرا روح انسان نیاز دارد در بحران‌ها متوجه‌ی امر والای عالم باشد تا قلب به سوی خورشید نظر کند.

2- خالق عالم به اعتبار آن‌که منشاء وجود عالم و موجودات است، خودش عین وجود است و بنا به گفته‌ی صدرالمتألهین عین وجود، عین کمال، یعنی عین علم و حکمت و قدرت و سایر کمالات است.از این جهت می‌توان به خدا عشق ورزید و جهانی برای عشق‌ورزیدن پیدا کرد و از جهانی که قلب‌ها را می‌میراند، فاصله گرفت.

3- خالق عالم، خالق هر موجودی است با تمام لوازم و آثار وجودی‌اش. یعنی خالق هر کدام از ماست با تمام نسبت‌هایی که با اطراف خود داریم و خالق تمام ابعاد شخصیت ماست هرچند مرحله‌ی نوجوانی ما به جهت تقدّم مرحله‌ی کودکیِ‌مان در ابتدا به ظهور نمی‌آید، ولی خداوند در اراده‌ی خود همه‌ی مراحل وجودیِ ما را با یک اراده خلق کرده،[[2]](#footnote-2) هرچند مراحل شخصیت ما به تدریج ظهور می‌کند.

 4- وقتی خداوند خالق وجود عالم است، تمام ابعاد وجودی عالم در قبضه‌ی اوست، به همان معنایی که فرمود: «وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ إِلَيْهِ الْمَصير» پس رابطه‌ی مخلوق با خالقش که آن را خلق کرده، رابطه‌ای است که همه‌ی ابعاد مخلوق را در برگرفته و جدایی مخلوق از خالق از نظر تکوینی معنا ندارد، به‌خصوص اگر متوجه باشیم هویت مخلوق، هویت تعلّقی است و مخلوق عین ربط به خالقش می‌باشد و «بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْ‏ءٍ» است و رسالت ما آن است که آن والا را بستاییم و در هیچ حادثه‌ای چشم از او بر نداریم. این‌جاست که روح می‌تواند خلوص را در صحنه‌های به ظاهر آشفته تجربه کند و در همه‌جا او را بیابد و اگر راه را نمی‌داند ولی هدف را گم نمی‌کند که باید پاسدار شعله‌ی مقدس بود و زندگی را در زیر آسمان سرنوشت قرار داد. راضی‌بودن به سرنوشت، فاصله‌ی میان انسان و خدا را پر می‌کند.

 5- با توجه به نحوه‌ی ارتباط عالمِ وجود با خدا، خداوند در تمام مراحل عالم، حضوری مطلق و فعّال دارد و اگر برگی از درختی فرو افتد از اذن و علم خدا خارج نیست «وَ ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلاَّ يَعْلَمُها» این آیه در واقع گزارشی است از نگاهی که هر اندیشمندی می‌تواند بدان دست یابد، از آن جهت که «وجود» در همه‌ی عوالم جاری است و متن عالم را پر کرده است و به حکم «إِنْ مِنْ شَيْ‏ءٍ إِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدِه‏» همه‌چیز هوشمندانه در عالم حاضر است و هوشمندانه مدیریت می‌شود و هیچ هرج و مرجی در عالم وجود ندارد، حال چه آن چیزها مظهر جمال حق باشند و چه مظهر جلال او. با چنین نگاهی هیچ حادثه‌ای معنای ما را از زندگی به بحران نمی‌اندازد.

 6- خالقِ عالم مطابق علم و حکمت خود دارای سنت‌ها و تقدیراتی است. حکمت الهی اقتضا می‌کند تا انسان‌ها را در شرایط خوف و جُوع و ضررهای مادی و جانی امتحان بکند تا انسان‌ها در دل این سختی‌ها پرورانده شوند و شخصیت‌هایی که صابرند، صبرشان به ظهور آید[[3]](#footnote-3) و در دل چنین سنتی است که اندیشه‌ها به‌کار گرفته می‌شوند تا از یک طرف راه‌های عبور از سختی‌ها شناخته شوند و انسان با عقلانیت خود در مورد عبور از سختی‌هایی که پیش می‌آید بیندیشد و رشد کند، و از طرف دیگر با توجه به آن‌که می‌داند عالم در قبضه‌ی خداوند است در رجوع به خداوند به رازِ وجودی آن سختی‌ها فکر کند که اگر آن سختی‌ها برای پرورش انسان‌هاست، مسیر صبر و مقاومت را در مقابل آن‌ها پیشه نماید و می‌یابد که آن سختی با رحمت الهی هماهنگ است، و اگر در سنت «وَ ما أَرْسَلْنا في‏ قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلاَّ أَخَذْنا أَهْلَها بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ»(اعراف/94) می‌باشد در ازاء آن سختی‌ها و تهاجم‌هایی که به انسان‌ها و جوامع می‌شود، رجوع به حق نمایند و در محضر خداوند به تضرّع آیند و با تضرّع و توبه، مزاحمت‌های آن سختی‌ها را از سرِ خود کم کنند، به فکر توبه و تجدید نظر نسبت به آنچه انجام داده‌اند و در آن قرار دارند، بیفتند. اینجاست که جایگاه بلاهای طبیعی و غیرطبیعی روشن می‌شود بدون آن‌که گمان کنیم عالم از دست خداوند خارج شده - هر بلایی که می‌خواهد باشد- عمده برخوردِ عقلانی از یک طرف و برخورد الهیاتی از طرف دیگر با پدیده‌ای است که امروز به صورت کرونا ویروس به میان آمده است تا از یک طرف با عقلانیت خود جایگاه نظریات علمی و بهداشتی نادیده گرفته نشوند - اعم از جایگاه طبّ جدید و یا طب سنتی- و از طرف دیگر با الهیات خود طوری با آن پدیده برخورد کنیم که از راه‌های گشوده‌ی حضرت حق در این‌گونه مصائب بهره‌مند شویم و خود را دست‌بسته در مقابل آن ویروس احساس نکنیم و از برکات نگاه توحیدی جهت حضور در عالم محروم شویم به‌خصوص که حضرت جواد می‌فرمایند: ««مَوْتُ‏ الْإِنْسَانِ‏ بِالذُّنُوبِ‏ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجَلِ وَ حَيَاتُهُ بِالْبِرِّ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمُرِ» مرگ آدمی به سبب گناهان بیشتر از مرگ به واسطه‌ی اَجَل است، و ادامه‌ی حیاتش به سبب نیکوکاری بیشتر از حیاتش به واسطه‌ی عمر طبیعی است.

7- معلوم است که خالق عالم و اقتضائات نظام احسن هستی برای هر مخلوقی جای و جایگاهی قائل است و تقدیرات انسان‌ها نیز از یک طرف وجهی از وجوه آن‌هاست و از طرف دیگر در نسبت با عالم، اندازه‌ای است مشخص شده و به همین جهت آموزه‌های دینی متذکر می‌شوند که مرگ و حیات انسان‌ها دارای اندازه‌های مشخص است و کسی را یارای عبور از مرگی که برای او مقدر شده‌است نمی‌باشد، هرچند خوب مردن و یا بد مردن را خود انسان ها برای خود شکل می‌دهند. قرآن می‌فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدْرا»(طلاق/ ۳) خداوند برای هر موجودی اندازه‌ای در عالم مشخص کرده و یا می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْ‏ءٍ خَلَقْناهُ بِقَدَر»(قمر/ ۴۹) البته ما هرچیزی را به اندازه آفریدیم و نیز قرآن در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی حدید می‌فرماید: «ما أَصابَ مِنْ مُصيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا في‏ أَنْفُسِكُمْ إِلاَّ في‏ كِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها إِنَّ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسير» هيچ مصيبتى در زمين و نه در وجود شما روى نمى‏دهد مگر اين‌كه همه‌ی آن‌ها قبل از خلقت‌شان در کتابی بوده است و اين امر براى خدا آسان است‏. با توجه به این امر می‌فرماید: «وَ مَا کَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللّهِ کِتَابَاً مُؤَجَّلاً وَ مَن يرِدْ ثَوابَ الدُّنْيا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَن يرِدْ ثَوَابَ الآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاکِرِينَ»؛ هيچ‌کس جز به فرمان خدا نمي‌ميرد، که خدا مرگ را مقررشده معين کرده است و هرکس پاداش اين جهان را بخواهد از آن به او خواهيم داد.»(آل‌عمران/145) و نیز می‌فرماید: «إِذا جاءَ أَجَلُهُمْ فَلا يَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَ لا يَسْتَقْدِمُونَ»(یونس/ 49) یا فرمود: «نَحْنُ قَدَّرْنا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَ ما نَحْنُ بِمَسْبُوقينَ.»(واقعه/ ۶۰)

 8- مهم آن است که به تقدیرات خود راضی شویم تا بهشتی در مقابل ما گشوده شود. به همین جهت حضرت علی در دعای کمیل از خداوند تقاضا می‌کنند: «اللّهمّ انّى اَسْئلُكَ .... اَنْ تَجْعَلَنى بِقِسْمِكَ راضياً قانِعاً» خداوندا! ما را طوری بپروران که از قسمت‌هایی که برای ما مقدر کرده‌ای راضی و قانع باشیم. این یعنی خوب بودن به دست ماست ولی اندازه‌ی «بودنِ» ما در دنیا، در اختیار خالق عالم است؛ خودمان باید سرنوشت خود را تبدیل به نیکی کنیم به همان معنایی که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِم»‏(رعد/ ۱۱) یعنی نقش آموزه‌های دینی در این‌جا آن است که: «إِنَّا هَدَيْناهُ السَّبيلَ إِمَّا شاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً»(انسان/ 3) تا معلوم شود انسان در تعالی‌بخشیدن به سرنوشت خود، دست‌بسته نیست و بلاها، خواب‌ها را بیدار و دل‌ها را متوجه‌ی خدا می‌کند تا جهت دفع این بیماری، منوّر به الهامات علمی شوند.

9- در مکتب صدرا متوجه‌ی اتحاد عاقل با معقول هستیم و می‌دانیم معقولِ واقعی خداوند است با حضور همه‌جانبه‌اش، پس به حکم اتحاد عاقل با معقول می‌توان با حضور همه‌جانبه‌ی خدا در عالم، در عالم حاضر شد و مقهور هیچ مشکل و مسئله‌ای نبود و متوجه باشیم برای آن‌که یک پدیده را دقیق ببینیم نباید تنها به آن خیره شویم و از جوانب دیگرِ آن و نسبت‌های آن با اطرافش غفلت کنیم. در قضیه‌ی کرونا ویروس بخشی از واقعیت آشکار شده و همه آن را می‌بینند ولی ابعاد دیگرِ آن را باید با نگاهی دیگر و در ساحتی دیگر درک کرد که حکمت الهیاتی در اختیار انسان می‌گذارد. قهر و غلبه‌ی آن ویروس را همه می‌بینند، ولی وجوه دیگری که در نگاه توحیدی باید مدّ نظرها قرار گیرد، برای همگان هنوز منکشف نشده است.

10- راستی اگر کروناویروس معنای زندگی ما را به هم ریخته و با نوعی پوچی و یأس در زندگی خود روبه‌رو شده‌ایم و شادابی و امید و معنای «بودن» را از ما گرفته؛ حکایت از آن ندارد که سقفِ معناییِ ما هنوز از زندگی کوتاه است که با بادی نابهنگام زیر و زبر می‌شود؟ چه شده است که مؤلفه‌های معنابخشی که باید انسان‌ها را در طوفان‌ها به کمال برساند در این حادثه، بی‌رمق نمایان شده‌اند؟ جز این است که نیازمندِ توحیدی ناب هستیم که در همه‌ی عالم همنوا با عالم هستی در تسبیحی قرار گیریم که افق زندگی را در مقابل ما می‌گشاید و ما در آن حالت می‌توانیم خود را به خدا بسپاریم؟

11- ما با به ظهورآمدنِ کروناویروس با چه چیزی مواجه هستیم؟ چه نوع شخصیتی باید برای خود به میان آوریم تا مواجهه‌ای حکیمانه با آن پدیده داشته باشیم و بدانیم اموری مستور در میان است که ماورای آن چیزی است که علم پزشکی کشف کرده است و نباید وجود آن پدیده را در آن محدوده نگاه کرد؟ گویا باید در این میان به چیزی گوش داد که در عین آشکاری، پنهان است. سخن‌های بی‌بنیاد که به آغازِ آغازها نظر ندارد، بیشتر پوشاننده‌ی حقیقت‌اند تا آشکارکننده‌ی آن. مگر وقتی آسمان را ابرهای سیاه می‌پوشاند و هوا طوفانی می‌شود، گمان ما آن خواهد بود که اینان جای خدا را تنگ کرده‌اند که در حضور کروناویروس بپرسیم خدا کجاست؟ خداوند هر جا که زندگی هست، در آن‌جا حاضر است و آن‌جایی که انسان‌ها زندگی را گُم می‌کنند، جایی است که ناله سر می‌دهند خدا مرده است. در حالی که وقتی زمستان بیاید دیوارهاست که سرد و بدون پوشش از لاله‌ها به ظهور می‌آیند و این نیز برای آن‌هایی که زندگی را می‌شناسند «بودنِ» دیگری است.

آری کرونا ویروس، ویروس خطرناکی است اما اموری از طریق مردم در این کشور در حال شکل گرفتن است و سنّت‌هایی بنا است به ظهور آید که رویارویی با بحران‌های بس بزرگ‌تر را برای ما آسان خواهد کرد و متوجه می‌شویم انسان‌ها در همین بحران‌ها ابعاد متعالی‌شان طلوع می‌کند.

غرب هرچه بیشتر تلاش کرده تا خدا را از زندگی بیرون کند، بیشتر دچار سردرگمی شده. امر دینی و تفکر توحیدی در زندگیِ انسانی امری مقطعی نیست. اتفاقاً زندگی شهری، نظر به الهیات را بیشتر از گذشته ضروری می‌کند و در این رابطه زندگی مدرن برای عبور از بحران‌های آن نوع زندگی، ضرورت توجه به حقایق توحیدی را بیشتر می‌کند. در حالی‌که فرهنگ مدرن خدا را نه‌تنها غایب، بلکه از میان برداشته است و رابطه‌ی زمین و آسمان در این فرهنگ از بین رفته و حضور شرور دیگر جنبه‌ی الهیاتی ندارد و این همان سرگردانیِ ناامیدکننده‌ای است که بشر مدرن در بحران‌ها گرفتار آن می‌شود.

12- آن‌هایی که به جای به ظهورآوردنِ حضور خدا در عالم بر مبنای میل خود سخن می‌گویند، تعیین‌کننده‌ی هیچ حرکت اصیلی در تاریخ نیستند. اینان به بهانه‌ی دوری از دینداریِ معشیت‌اندیش و نزدیکی به دینداریِ معرفت‌اندیش و تجربه‌اندیش، به شدت به دینداریِ معشیت‌اندیش در قالبِ دینداری برای شهره‌شدن نزدیک شده‌اند و در شهره‌اندیشیِ خود متوجه‌ی انگیزه‌های پاک آن‌هایی که متهم‌شان می‌کنند به دینداریِ معیشت‌اندیش، نیستند.

والسلام علیکم و رحمة اللّه و برکاته

1. - عنایت داشته باشید که مبنای ما در نگاه فلسفی بدیهیاتی است که هر انسانی آن را می‌شناسد و با ما همراهی می‌کند، در حالی‌که در نگاهِ کلامی، بحثِ دو باور در میان است و جدالی که پیش می‌آید و لذا معلوم نیست که مخاطب ما قانع شود، نهایتاً با سکوت خود بحث را تمام می‌کند. با این همه نباید نسبت به جایگاه علم کلام به عنوان سنگری برای دفاع از عقیده خود در مقابل کسانی که آن عقاید را انکار می‌کنند غفلت نمود. [↑](#footnote-ref-1)
2. - فرمود: «وَ ما أَمْرُنا إِلاَّ واحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَر»(قمر/50) [↑](#footnote-ref-2)
3. - قرآن در این رابطه می‌فرماید: «وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ‏ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرين‏»(بقره/155) [↑](#footnote-ref-3)